



ضیاءالدین صدر / دکتر سید موسی صمیمی

۱۰ جون ۲۰۱۷

## "جهانی شدن" نظام سرمایه داری در آستانه دیگرگونی

### همایش سران کشور های عضو گروه بیست G20 در هامبورگ

هفتم و هشتم جولای، روزهای پر جمع و جوش دیپلماتیک و ناآرامی های پر سر و صدای اعتراضات در هامبورگ بودند. اگر در این روز های جمعه و شنبه از یک سو همایش پرسش زای سران کشور های عضو گروه بیست - G20 - در این شهر بزرگ بندری جمهوری اتحادی المان برگزار گردید، از سوی دیگر نهادهای مدنی و سازمان های اجتماعی از کشور های مختلف علیه این گردهمایی سران کشور های پر نفوذ جهان دست به تظاهرات گسترده زدند. دونالد ترمپ، رییس جمهور تازه دم ایالات متحده امریکا با نظرات "قدرتمند ساختن دوباره امریکا" برای نخستین بار در این نشست اشتراک کرده و طوری که قبل از برگزاری این همایش هم تصور آن میرفت، تفاوت های بنیادی در مورد شکل دهی "نظام اقتصادی جهان" و مهار کردن بحران ساختاری این نظام در محور مذاکرات قرار گرفتند. ولی برخلاف گذشته ها، این بار تفاوت موضع گیری ها در قبال تدابیر که بایست اخذ میگردیدند، در بین کشور های خود مدار کلاسیک و کشور های خودمدار نو ظهور کمتر تبارز کرده، بلکه تلاش ها بیشتر در جهت رام کردن "غول بزرگ امریکا" در حلقه کشور های گروه بیست صبغه همایش را ترسیم میکرد.

در مورد خطوط تفاوت سیاسی-اقتصادی در بین گروه های مختلف در این نشست و چگونگی نقش گروه بیست، ضیاءالدین صدر، مدیر مسئول مرکز نشراتی "افغانستان امروز"، با دکتر سید موسی صمیمی، دانشمند اقتصاد سیاسی کشور، به گفتگو نشست است.

ضیالدین صدر:



*نخست از همه، سران کشور های عضو گروه بیست در همایش هامبورگ روی کدام مسایل به مذاکره نشستند؟*

دکتر سید موسی صمیمی:



مذاکرات سران کشور های عضو گروه بیست در هامبورگ در کل بر محور غلبه بر چالش های بنیادی از قبیل حفظ محیط زیست، چگونگی تجارت آزاد جهانی و سرمایه گذاری، همکاری های بین المللی در راه تقویت رشد و انکشاف پایدار و ثبات بخشیدن به داد و گرفت امور مالی جهانی دور میزدند. ولی در اعلامیه نهایی که بنام سران کشورهای عضو گروه بیست در شام یکشنبه ( هشتم جون) در نسخه انگلیسی آن در پانزده صفحه پخش گردید، دست کم از یازده موضوع تذکر میروود.

*صدر: نظر به گزارشات رسانه ها - بر خلاف گذشته ها - نشست سران گروه بیست با دشواری های زیاد مواجه بوده و سران این کشور ها به مشکل توانستند که در مورد اجندای این نشست به توافق برسند.*

صمیمی: در مورد یک سری از نکات اجندا در مذاکرات کشور های عضو قبل از دایر شدن نشست توافقات صورت گرفته بودند، ولی مسئله چگونگی حفظ محیط زیست و تجارت آزاد بین المللی، دو نکته مشکل زا خوانده شده اند. البته در این رابطه مواضع دونالد ترمپ، رییس جمهور ایالات متحده امریکا که برای نخستین بار در این همایش اشتراک کرده بود، مانع بزرگ خوانده میشد.

*صدر: دونالد ترمپ چه میخواست؟*

صمیمی: اختلاف بر سر چگونگی پیمان پاریس در مورد "تغییر اقلیم" نشست گروه بیست را به بن بست کشانده بود. ترمپ قبلاً اعلام کرده بود، که به تعهد قبلی بارک اوباما در پیمان

پاریس متعهد نمی باشد. در پیمان پاریس کشور های جهان به کاهش گازهای گلخانه ای به اندازه ۳۲ در صد تا سال ۲۰۳۰ تعهد سپرده بودند. ولی در نشست هامبورگ دیگر تمام اعضای گروه بیست، به جز امریکا، توافق کردند که به تعهدات خود در پیمان پاریس پایبند باشند. با مثال پیمان پاریس برای نخستین بار در نشست گروه بیست واشنگتن شکست خورده و سیاست ترمپ مبنی بر "اول امریکا" در واقع به منزوی شدن آن کشور منجر گردید.

*صدر: ولی آقای ترمپ در گذشته ها در مورد تجارت جهانی نیز نظرات مختص بخودش را داشته، در عوض "تجارت آزاد" اصطلاح "تجارت منصفانه" را بکار میبرد. البته بکار برد این اصطلاح با وضع "قوانین حمایتی گمرک" مترادف خوانده میشود. در این مورد گروه بیست به چه نتیجه رسید؟*

صمیمی: البته طوری که شما گفتید، ترمپ بر کسر ترازنامه منفی تجارت کشورش اشارت کرده و تجارت جهانی را در کل غیر منصفانه خوانده است. در مقابل او تهدید کرده بود که در صورت تداوم این وضع، واشنگتن دست به بلند بردن تعرفه های گمرک خواهد زد، تا از این طریق ترازنامه تجارت آن کشور از طریق کاهش واردات، متوازن گردیده و زمینه اشتغال بیشتر در درون کشور آماده گردد. البته در این جا دوباره کشور های عضو گروه بیست در مخالفت با مواضع ترمپ خواهان تداوم "آزادی تجارت بین المللی" گردیده و با نظرات ترمپ مخالفت کردند. شکفتگی موضع در این نکته نهفته است که امریکا، خود زمانی به مثابه سر دمدار تجارت آزاد نقش عمده بازی کرده و این نظر را بر کشور های دیگر گویا تحمیل کرده است. در مقابل چین که سال های متمادی علیه "دروازه های باز تجاری" موضع گرفته بود، امروز به مثابه حامی و هوا دار "تجارت آزاد بین المللی" سر برافراشته است. این اصل به نوبت خود بیانگر نزول توانایی های اقتصادی ایالات متحده امریکا خوانده میشود. در مقابل شی جن پینگ، رییس جمهور چین بر تعهدات جهان در قبال "تجارت آزاد بین المللی" صحنه گذاشته و در رد تدابیر حمایتی سخن میگوید. با وجود این تفاوت نظر های کلی، بالاخره در اعلامیه نهایی از "تقویت تجارت آزاد و منصفانه" تذکر میرود. در حالی که اصطلاح "منصفانه" دقیق نگردیده و هر کشوری میتواند آنرا به نوع دیگر تعبیر کند. به طور مثال اگر صادرات کشور های پیرامونی را که با دستمزد کم و ناچیز تولید میگردند، در مقابل واردات از کشور های خودمدار کلاسیک در نظر بگیریم، دیده میشود که اضافه ارزش از کشور های پیرامونی به کشور های خود مدار منتقل میگردد؛ در این صورت میتوان از "تجارت و مبادله غیر منصفانه" یاد کرد. ولی زیرساخت عدم توازن ترازنامه های تجارت بین کشور های خودمدار نوظهور و کشور های خودمدار کلاسیک را توانایی های اقتصادی و مسئله مولدیت های تصدی ها تشکیل میدهد. در این جا البته - بازهم نظر به تفاوت در سطح مزد و معاش - مزاد ارزش از کشور های نوظهور به کشور های کلاسیک نقش بازی میکند.

*صدر: کدام نکات کلی دیگر در اعلامیه سران گروه بیست درخور اهمیت زیاد تلقی میگردند؟*

صمیمی: سران کشور های گروه بیست از جمله توافق کردند که جهان برای رشد و انکشاف پایه دار به یک ساختار با ثبات مالی و اقتصادی نیاز دارد. البته، گردانندگان چرخ های اقتصادی و مالی جهان - با در نظر داشت بحران سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ - هراس دارند از این که نشود که بحران مزمن ساختاری مالی منجر برهم زدن توازن داد و گرفت مالی گردد.

نکته جالب دیگر بخش "مشارکت زن ها" در اعلامیه می باشد. گفته میشود که سران کشور های گروه بیست در راستای حقوق مساوی و برابری زنان و مردان، و میسر ساختن زمینه های کاری و استخدام زن ها خود را متعهد میدانند. البته که این تذکر بیش از یک "اعتراف لفظی" نمی باشد. مثلاً در عربستان سعودی که عضو گروه بیست می باشد، حقوق بشر در کل و حقوق زنها به شکل ویژه با چکمه های محتسبین و نظام تمامیت گرای وهابی همه روزه پایمال میگردند. ولی این کشور هیچ وقت در قبال نقض حقوق بشر حساب ده نبوده است.

*صدر: حال که سخن از عربستان بمیان آمد؛ نظر به گزارشات رسانه ها، ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی در آخرین لحظات از اشتراک در این نشست خودداری کرد. علت عدم سهم گیری ریاض را شما چگونه بررسی میکنید؟*

صمیمی: اگر به کنه موضع در عربستان و منطقه دقت کنیم، عوامل این عدم اشتراک ملک سلمان در نشست گروه بیست بزودی روشن میگردد. برخلاف آنچه که ملک سلمان از هر موقع استفاده کرده، و تلاش دارد تا در چارچوب استراتژی تعرضی ریاض هرچه بیشتر با سران "کشور های هم پیمان و دوست" دیدار کرده و راه را برای گسترش نفوذ آیین وهابیت هموار بسازد، عدم سهم گیری وی در هامبورگ بیانگر عمق بحران همین سیاست نارسای او تلقی میگردد.

*صدر: لطفاً اسرار این معما را فحش کنید.*

صمیمی: نخست از همه، ملک سلمان با سن ۸۲ سالگی، مرد کهن سال و مبتلا با بیماری "یادفراموشی - الزهامیر - " فاقد توانایی جسمی خوانده میشود، تا بتواند در نشست های پر مدعای سران کشور های مهم فعالانه اشتراک کند. ولی مهمتر از وضع صحتی، آشفتگی های درون مرزی و بحران بیرون مرزی، به ویژه بحران روابط با قطر، دو انگیزه مهم خوانده میشوند که ملک سلمان نتوانست که خودش و یا محمد بن سلمان، پسر و ولیعهد تازه دم آن کشور عازم هامبورگ شود. ملک سلمان از یک و نیم سال به این سو تلاش دارد تا هرچه بیشتر "نظام پادشاهی ارثی" عربستان را به خانواده خود انتقال داده و شاهزاده های دیگر را به مثابه مدعیان تخت و تاج از صحنه بیرون کشد. ملک سلمان در سال اول سلطنتش نتوانست تا

محمد این نایف، نواسه این سعود را به ولیعهدی و محمد این سلمان را به با سن ۲۹ سالگی به مقام وزارت دفاع برساند. پس از آن یک سال دیگر هم ضرورت داشت، تا محمد این نایف را هم - در یک مبارزه سخت درون خانوادگی آل سعود - کنار زده، و بالاخره فرزندش را به ولیعهدی برساند. این معضل آتش مبارزات قدرت طلبی را در درون خانواده آل سعود هنوز هم شعله ور ساخت. از این نگاه در این وقت حساس نه خود ملک سلمان و نه هم پسرش، این تمامیت گرای نوجوان میتوانند کشور را - اگر برای دو روز هم باشد - ترک کنند. در اخیر بحران قطع روابط با قطر علت بنیادی دیگری است که مانع سفر سلمان از کشورش میگردد.

*صدر: در مورد جزئیات این بحران توضیح دهید.*

صمیمی: در میانه ماه جون، عربستان سعودی همراه با یک سری از کشور های هم پیمان عربی با متهم کردن قطر با "حمایت از تروریسم" روابط سیاسی اش را با این کشور قطع کرده و "تحریم های" سخت وضع کردند. عربستان و کشور های هم پیمانش به قطر هشدار دادند، تا برای عادی ساختن روابط باید با سیزده شرط آنها موافقت کند؛ از جمله عدم حمایت از اخوان المسلمین، تعطیل نمودن شبکه الجزیره، کاهش سطح روابط با ایران و تعطیل پایگاه نظامی ترکیه در آن کشور. در مقابل قطر گفته است که این موارد ربطی با مبارزه با تروریسم نداشته و هدف آن محدود کردن حاکمیت دوحه می باشد. سوال برانگیز این نکته است که ریاض به مثابه بزرگترین حامی اندیشه تکفیری به مثابه زیر ساخت راه و روش هراس افکنی، به یک نظام تمامیت گرای دیگر این نوع اتهام میزند. در کل ملک سلمان تحمل کرده نمی تواند یک کشور عربی که به مثابه یکی از اقمار ریاض بایست عمل کند، پای را از این گلیم وابستگی با ریاض بیشتر دراز کند. این اوضاع درهم و برهم درون مرزی و منطقه ای مانع آن گردید تا ملک سلمان از اشتراک در نشست هامبورگ خودداری کند.

*صدر: برگردیم به نشست سران گروه بیست در هامبورگ، نظر به گزارشات رسانه ها، در نشست سران گروه بیست روی مسئله فساد نیز صحبت شده است.*

صمیمی: بلی، سران گروه بیست در قبال مبارزه علیه فساد از طریق همکاری های عملی بین المللی و زمینه سازی تکنیکی خود را متعهد میدانند. در اعلامیه تذکر میرود که در صورت تخلف نه تنها اشخاص انفرادی بلکه تصدی ها و نهاد های مالی هم بایست به دادگاه کشانده شوند. در این مورد بر طرح عملی ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ گروه بیست در مورد مبارزه با فساد صحنه گذاشته میشود. در این جا بایست اضافه کرد که دست های پر نفوذ پس پرده - مانند همیشه - باز هم به سوء استفاده دست خواهند زد و بدون مجازات به راه خود ادامه خواهند داد.

*صدر: در رابطه با افریقا که از پیامدهای بزرگ تغییرات آب و هوا و همچنان نظر به بحران های سیاسی-اقتصادی بسیار رنج میکشد، در نشست گروه بیست تدابیری اتخاذ گردید؟*

صمیمی: البته که نخست قبل از برگزاری نشست سران گروه بیست، همایش با سران مهم کشور های افریقای نیز سرو سامان داده شده بود. و بر پایه همین همایش در اعلامیه نهایی گروه بیست از زمینه سازی های انکشاف و رشد اقتصادی برای قاره افریقا یادآوری میگردد. در این جا بیشتر از بستر سازی برای ورود سرمایه های شخصی خارجی و آماده ساختن زمینه های کاری در همسویی با رشد و تقویت قشر وسطی تذکر میرود. در این رابطه و در حاشیه نشست گروه بیست حتی از "پیمان مارشال برای افریقا" تذکر رفته است.

صدر: شما این برنامه را چگونه ارزیابی میکنید؟

صمیمی: قاره افریقا امروز با بحران بزرگ سیاسی-اقتصادی ناشی از تغییرات اقلیم و "حکومت داری بد" مواجه می باشد. بیش از هشت ملیون در این قاره با فقدان مواد غذایی دست و پنجه نرم کرده و بیش از بیست ملیون دیگر از لانه ها و کاشانه های شان بیجا گردیده و به شکل مهاجر سرگردان می باشند. از این نگاه، در نظر اول هر گامی که در جهت کم ساختن رنج و آلام مردم برداشته شود، بایست از آن پشتیبانی کرد. ولی تدابیر جهانی برای افریقا بجز مسکن - داروی آرام بخش - برای کم ساختن درد نبوده، به تشخیص درد و تداوی آن نمی پردازد. نخست اینکه در قاره افریقا زمینه های مالی و امنیتی سرمایه گذاری های خارجی آماده نمی باشد. دوم اینکه - نظر به تجارب گذشته - از این سرمایه گذاری ها قشر محدود الیگارشلی های حاکم بهره برده، و در بهترین وجه آن کشورها را برای صادرات تولیدات خام و تولیدات با مزد کم تبدیل میکند. کشور های پیرامونی از همه اول نیاز به طرح و پیاده کردن برنامه های انکشاف اقتصادی در خور این کشورها، از جمله برای برآورده ساختن نیازمندی های اولیه توام با حفظ حقوق کارگران در جهت رفاه همگانی دارند. برنامه مارشال برای افریقا فاقد این اصل می باشد.

صدر: نظر به گزارشات رسانه ها، نشست سران کشور های عضو بیست با اعتراضات گسترده و قسماً خشونت بار همراهی گردید. شما نقش این اعتراضات را چگونه ارزیابی میکنید؟

صمیمی: نخست از همه اعتراضات مسالمت و ابراز نظر دیگر اندیشان در مورد معضلات حاکم نه تنها حق دموکراتیک هر شهروند بوده، بلکه آگاهان سیاسی-اجتماعی اعتراض مدنی را علیه بی عدالتی ها حتی "وجیهه" هر شهروند می خوانند. در رابطه با نشست هامبورگ، بیش از یک صد هزار نفر از کشور های مختلف و طیف های گوناگون اجتماعی و سیاسی اشتراک کرده بودند. نخست از همه بایست بین نشست های که تحت پوشش "همبستگی جهانی" توسط نهاد های مدنی برگزار گردیدند و تظاهرات خیابانی تفاوت کرد. در نشست "همبستگی جهانی" که بروز های پنجشنبه و جمعه برگزار گردید، نهاد ها و شخصیت های مهم، به شمول کسانی که برنده جایزه بدیل "صلح نوبل" می باشند، اشتراک کرده بودند. به

نظر این حلقه ای "همبستگی جهانی"، گروه بیست حافظ "نظام حاکم جهانی" می باشد؛ نظامی که منجر به تفاوت های گسترده ای اجتماعی و گسترش دامنه فقر در سطح جهانی گردیده است. حلقه ای همبستگی "نظام حاکم جهانی شدن" را تحت پرسش برده و با این اجندا به مذاکره و گفتگو نشستند: چگونه میتوان بر فقر، استثمار، استبداد، جنگ و تخریب محیط زیست غلبه کرد؟ البته این حلقه در هم سوئی با اهداف و تلاش های "همایش های اجتماعی بین المللی" و با ارایه بدیل های مشخص خواهان دیگرگونی تدابیر حاکم در سطح جهانی گردید؛ ولی در عین حال "مشروعیت" گروه بیست را هم تحت پرسش برده و گفته است که این گروه خود خوانده بدون "مشروعیت دموکراتیک" گویا سرنوشت جهانیان را رقم میزند.

*صدر: ولی تظاهرات خیابانی چه شکل و شمایل بخود گرفتند؟*

صمیمی: در این جا نیز بایست بین دو گروه با شیوه های مختلف رفتاری تفاوت قایل شد. نخست اکثریت بزرگ به اعتراضات منظم و آرام، و مطابق به مشی اعلام شده قبلی و حمل شعار های همبستگی به شکل "مدنی و مسالمت آمیز" به راه پیمایی های خیابانی دست زدند. ولی گروه کوچک که بنام "افراطی های چپی" از آنها تذکر رفته، با شعار "گروه بیست خوش نیا مدید" و یا "به جهنم خوش آمدید" دست به خشونت زده و حتی از آتش سوزی های موثر ها و فروشگاه ها هم اجتناب نکردند. این اعتراضات خشونت بار از طرف نقاب پوشان که با "بلاک سیاه پوشان" معروف اند، البته که در رویارویی با نیرو های امنیتی منجر به آتش سوزی، زخمی شدن و دستگیری یک تعداد زیاد از اعتراض کنندگان گردیده، که پیامد های حقوقی و امنیتی آن در یک کشور دموکراتیک مانند جمهوری اتحادی المان مدت های زیادی دوام خواهد کرد. تعداد این بلاک سیاه پوشان در حدود یک هزار نفر، گویا یک در صد تظاهر کنندگان گفته شده است. ولی خسارات مادی ناشی از اعمال خشونت این گروه به ده ها میلیون رسیده؛ و به این ترتیب هزینه یک صد و سی میلیون یورو را که برای نشست تخصیص داده شده بود، بسیار بالا می برد.

*صدر: پس از این سیر دور و دراز برگردیم به ارزیابی گروه بیست. شما نقش ایالات متحده امریکا را در چار چوب "جهانی شدن" چگونه ارزیابی میکنید؟*

صمیمی: در روند جهانی شدن، ما شاهد این اصل هستیم که ایالات متحده امریکا به مثابه عامل و گرداننده چرخ های سیاست اقتصادی "جهانی شدن" استوار بر آیین "نولیبرالیسم"، به ویژه پس از درهم ریزی امپراتوری جماهیر شوروی به "کشور بی رقیب" مبدل گردید و جهان - با در نظر داشت ارقام اقتصادی ناشی از تولید ناخالص ملی - گویا "تک قطبی" خوانده میشود. ولی انکشاف سیاسی-اقتصادی کشور های دیگر از یک سو، و بحران تعبیه شده در درون "شیوه تولید سرمایه داری" که "جهانی شدن اقتصادی" بر آن استوار می باشد از سوی

دیگر، این دو عامل دست بدست همدیگر داده و در روند انکشاف جهانی، به ویژه بروز بحران مالی سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ منجر به آن گردید تا نقش تعیین کننده ایالات متحده امریکا در تعاملات اقتصادی سیر نزولی را ببیماید. البته مکانیسم این دیگرونی را میتوان در تحقق "اضافه ارزش" به سطح جهانی از یک سو و پیاده کردن اصل "منحنی لبخند تولید" از سوی دیگر سراغ کرد.

*صدر: ولی از اوضاع طوری وانمود میگردد که ترمپ از این روند کناره گیری میکند. علت آن چیست؟*

صمیمی: نخست اینکه در کشور های خود مدار کلاسیک، بخش های صنعت کلاسیک توام با قشر محافظه کار و قسماً عوام فریب خواهان سیاست های حمایتی گردیده و سیاست درهای باز را که یک رکن اساسی جهانی شدن نو لیبرالیسم خوانده می شود، تحت پرسش میبرند. پیروزی ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا در واقع بازتاب خواست های صنعت کلاسیک که در رقابت با "سرمایه سفید" در روند جهانی شدن پسا امریکا قرار گرفته، با پشتیبانی قشر پایین، به ویژه "کارگران سفید پوست بخش همین صنعت کلاسیک" خوانده شده که به مثابه یک جریان اجتماعی و در وجود شخص دونالد ترامپ به مثابه یک دولت مدار "نژاد پرست، جنسیت گرا و اسلام ستیز" بروز میکند. بر پایه همین اصل، سیاست های اجتماعی ترمپ در درون کشور ارتجاعی و سیاست های صحی او بر ضد منافع قشر پایین جامعه و سیاست فرهنگی او عقب گرا و زمینه ساز گسست پیوند های تاریخی آن کشور تلقی میگردد.

*صدر: اما سیاست های اقتصادی او؟*

صمیمی: سیاست های اقتصادی رییس جمهور امریکا با التزامات اقتصادی آن کشور در تضاد بنیادی قرار میگیرند. اگر دقیق شویم، از جهانی شدن شیوه تولید سرمایه داری زیادهترین بهره را ایالات متحده امریکا برده است. جهانی شدن یک خواست التزامی تحقق یابی سرمایه پویای امریکایی است. البته، بنا بر همین اصل ترمپ تلاش خواهد کرد تا در تعاملات اقتصادی سهم امریکا را بیشتر ساخته و بیشتر بهره برداری کند. ولی این خواست ترمپ "اول امریکا" به هیچ گونه یک پدیده تازه نیست. خواست مزمن همه دولت مداران امریکایی - در رابطه به جهانی شدن - در همین شعار تعبیه شده و در عمل پیاده گردیده است. آقای ترمپ نمی تواند که با این سادگی تعهدات ناشی از پیمان های اقتصادی، از جمله سازمان تجارت بین المللی را پشت پا زده، و بدون واکنش کشورهای دیگر و نهادهای جهانی - دست به سیاست های حمایتی و افزایش تعرفه های گمرکی بزند.

*صدر: ساختار و چگونگی گروه بیست را شما چگونه ارزیابی میکنید؟*



صمیمی: گروه بیست بعد از بروز بحران اقتصادی در اواخر دهه ای ۱۹۹۰ شکل گرفت. هدف آن هماهنگ سازی سیاست های اقتصاد کشور های بزرگ جهان در جهت چیره شدن بر بحران حاکم آن زمان اعلام شده بود. این گروه در واقع یک بنیاد سست و غیر رسمی متشکل از ۱۹ کشور منسوب به قدرت های اقتصادی و سیاسی و «اتحادیه اروپا» بوده است. وزیران امور مالی و رییس های بانکهای مرکزی کشورهای عضو در نشست های این گروه، اشتراک می کنند. علاوه براین در زمانی که مهماندار این نشست یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا نباشد، در آن صورت رییس همان وقت اتحادیه ی اروپا نیز در جلسه حضور بهم می رساند. همچنان رییس بانک مرکزی اروپا، رییس صندوق بین المللی پول، رییس بنیاد مالی و اسعاری بین المللی، رییس بانک جهانی و رییس «کمسیون امور انکشاف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول» در قطار اشتراک کنندگان محسوب می گردند.

صدر: سهم گروه بیست در ارقام اقتصاد بزرگ - ماکرو - چه شکل دارد؟

صمیمی: گروه بیست در حدود ۶۵ در صد جمعیت جهان را تشکیل می دهد و ۸۵ درصد محصول نا خالص اجتماعی درون مرزی جهان را تولید می نماید. سهم گروه بیست در تجارت جهانی بالغ به ۸۰ در صد می گردد.

صدر: به مثابه آخرین سخن، با وجود خواست "دیگرگونی بنیادی" در ساختار "جهانی شدن"، شما تدابیر گروه بیست را چگونه ارزیابی میکنید؟

صمیمی: تدابیر گروه بیست در کل در خدمت مهار کردن و انکشاف هنوز هم بیشتر نظم "جهانی شدن" بوده، ولی عجالتاً در نقش رهبری این روند واشنگتن عقب نشینی کرده، در عوض آن اتحادیه اروپا و کشورهای خودمدار نوظهور، از جمله چین نقش مهم بازی میکند. ولی در کل به رهبری امریکا و یا امریکا در نقش دومی، این نظام جهانی شدن پسا امریکا نیز به نوبت خود منجر به تفاوت های هنوز هم بیشتر اقتصادی، بی عدالتی های اجتماعی نه تنها در درون کشور ها گردیده، بلکه این تفاوت ها، به ویژه در بین کشورهای خود مدار کلاسیک و نوظهور با کشورهای پیرامونی میگردد؛ نظر به همین نظام جهانی، اضافه ارزش های ناشی از استثمار - آن هم به سطح جهانی - در جیب کانسرن ها و تصدی های چند ملتی سرازیر میگردد. نشست سران کشورهای عضو گروه بیست در آخرین تحلیل یک "همایش نمادین" بوده در خدمت استحکام بخشیدن پیوند های پر کساد اقتصادی-اجتماعی جهان، که منجر به گسترش دامان فقر و وابستگی هر چه بیشتر، به ویژه کشورهای پیرامونی میگردد.

صدر: تشکر از گفتگوی پر ثمر در مورد این معضل حیاتی جهان.

صمیمی: سپاس از کنجاوی و همراهی پر محتوی شما.

